



انقلاب اسلامی ایران و جنبش اصلاحات

می‌پیوندند. اصلاحات برخلاف انقلاب دارای شتاب نیست و هیچ‌گونه حرکت تندی در آن راه ندارد.

تفاوت دیگر انقلاب و اصلاح در نحوه نگرش به دگرگونی نظام است. انقلاب به منظور سرنگونی نظام و ایجاد نظامی جدید انجام می‌شود، در صورتی که اصلاح در چارچوب نظام و با هدف تکمیل آن و رفع نقایص و نقاط ضعف و طولانی نمودن عمر آن انجام می‌گیرد.

نکته بسیار مهم در این مقوله آن است که زمان انجام انقلاب و اصلاحات با یکدیگر اشتباه و جابه‌جا نشود و تشخیص موضوع در زمان مناسب به بهترین وجه انجام پذیرد. به عبارت دیگر، زمانی که جامعه با توجه به جمیع ویژگی‌های نظام حاکم نیاز به دگرگونی اساسی دارد، صحبت از اصلاحات امری باطل است و در مقابل در هنگام نیاز به اصلاحات در چارچوب نظام مشروع، طرح انقلاب اشتباهی بس بزرگ است. شرایط حاکم بر جامعه و میزان بردباری و مشروعیت حاکمیت و عملکرد آن در چارچوب قانون و آزادیهای مدنی تعیین کننده راه حل

انقلاب در عرف سیاسی و اجتماعی به معنای دگرگونی اساسی و پرشتاب در ساختار قدرت سیاسی است که به کمک مردم و بسیج گسترده آنها صورت می‌پذیرد. در انقلاب، علاوه بر مردم، رهبری و ایدئولوژی نقش اساسی دارند و انقلاب را تا رسیدن به هدف غایی به پیش می‌برند. انقلاب‌هایی که در تاریخ معاصر در جهان به وقوع پیوسته کم و بیش ویژگی‌های مذکور را دارا بوده و علی‌رغم تفاوت در ایدئولوژی، عمق تحولات و روش‌های به‌کار گرفته شده در این زمینه مشترک هستند. این مفهوم در انقلاب‌های بزرگ معاصر از قبیل انقلاب روسیه، انقلاب چین، انقلاب کوبا، انقلاب نیکاراگوا و انقلاب اسلامی ایران به خوبی دیده می‌شود و می‌توان این اشتراک را در تمامی این انقلاب‌ها به تصویر کشید.

در برابر مفهوم انقلاب، در علوم سیاسی و اجتماعی مفهوم دیگری وجود دارد که آن را اصلاح یا رفرم می‌نامند. این مفهوم به معنی دگرگونی آرام، تدریجی و مسالمت‌آمیز است که در ساختار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به وقوع

انقلاب و یا اصلاح است. به عبارت دیگر، عملکرد حاکمیت نشان دهنده ظرفیت‌های درون نظام برای اصلاحات و یا عدم ظرفیت و انتخاب راه حل انقلاب می‌باشد.

تفاوت دیگر انقلاب و اصلاحات در مرکز ثقل آن است. در انقلاب طبقات حاکم هیچ نقشی ندارند و رودرروی انقلاب قرار می‌گیرند و مرکز ثقل انقلاب در میان مردم و طبقاتی است که هیچ نقشی در حاکمیت ندارند و به عبارت دیگر، انقلاب از پایین به بالا است، در حالی که اصلاحات می‌تواند علاوه بر مردم، طبقات حاکم و بالا را نیز پوشش دهد که البته این مربوط به میزان ظرفیت و تحمل حاکمیت است. چنانچه دولت خود در کنار مردم و در پی رفع نقایص و مشکلات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... قرار گیرد، اصلاحات یک امر جامع، ملی و تمام عیار می‌شود که در چنین شرایطی بهترین گزینه است.

تحول در یک جامعه معمولاً با اصلاحات آغاز می‌شود و چنانچه مانعی بر سر راه آن قرار نگیرد و ظرفیت‌های لازم در حاکمیت وجود داشته باشد هیچ‌گاه به انقلاب منتهی نمی‌شود، در صورتی که اگر شرایط لازم برای پیشبرد اصلاحات در جامعه موجود نباشد و حاکمیت با کوچکترین حرکت اصلاحی خشن‌ترین برخوردها را بنماید و اجازه هیچ‌گونه اظهار نظر و مخالفت قانونی را ندهد، شرایط برای انقلاب آماده می‌شود. به عبارت دیگر، انقلاب زمانی انتخاب می‌شود که دیگر آمیدی به پی‌گیری راه‌حل‌های اصلاح‌طلبانه نیست.

با نگاهی به تاریخ انقلاب اسلامی ایران به خوبی در می‌یابیم که امام خمینی در ابتدای

نهضت در پی نابودی رژیم سلطنتی نبود بلکه بنا بر تعالیم عالیه اسلام خواستار اصلاح حکومت و رعایت دستورات اسلام و حقوق مردم از جانب دولت بود اما به مرور زمان ایشان به این نتیجه رسید که رژیم شاهنشاهی اصلاح‌پذیر نیست و راهی جز تغییر آن وجود ندارد.

نحوه دیالوگ حضرت امام با شاه در ابتدای نهضت به خوبی این مفهوم را نشان می‌دهد. در آن مقطع حضرت امام با شاه گفت‌وگو را نصیحت‌گونه را انتخاب کرده بود و سعی می‌نمود او را از ارتکاب اعمال خلاف اسلام و حقوق مردم بازدارد. ایشان حتی در مقطعی شاه را مخاطب قرار داده و می‌گوید من نمی‌خواهم تو سرنوشت پدرت را پیدا کنی و مجبور به ترک کشور شوی.

امام خمینی در تاریخ ۱۵ آبان ۱۳۴۱ تلگرافی را برای شاه ارسال می‌دارد و درباره تصویب لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی و عملکرد اسدالله علم، نخست‌وزیر وقت، مطالبی را مطرح می‌نماید. لحن و قلم حضرت امام در این نامه و مفاهیم و محتوایی که در آن مطرح شده و نحوه مخاطب قرار دادن شاه نشانگر مضمون اصلاح‌طلبانه حضرت امام در آن مقطع تاریخی است. در این نامه به خوبی مشخص می‌شود که امام در پی اصلاح شاه و اجرای قانون اساسی و شرع مقدس اسلام است و به هیچ‌وجه آثاری از حذف شاه و رژیم سلطنت در آن دیده نمی‌شود. در این جا مناسب است برای دریافت این مطلب و هم چنین یادآوری یکی از مقاطع مهم دوران نهضت که مقابله با تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی بود، متن کامل این تلگراف را مرور نماییم.

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور مبارک اعلیحضرت همایونی

تلگراف مبنی بر آنکه اعلیحضرت بیش از هرکس در حفظ شعائر مذهبی کوشا هستند، و تلگراف اینجانب را برای دولت ارسال داشتند، و توفیق اینجانب را در ترویج مقررات اسلامی و هدایت عوام خواستار شدند، موجب تشکر گردید. البته ملت مسلمان ایران از اعلیحضرت همین انتظار را دارند. فرموده اعلیحضرت موافق است با آنچه از پیغمبر اسلام - صلی الله علیه و آله - به ما رسیده: إِذَا تَهَيَّزَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ؛ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ، فَقَتِيلٌ لَمَنَّةً لِلَّهِ. البته شغل روحانی، ارشاد و هدایت ملت است.

مع الأسف با آنکه به آقای اسدالله علم در این بدعتی که می‌خواهد در اسلام بگذارد تنبه دادم و مفاسدش را گوشزد کردم، ایشان نه به امر خداوند قاهر گردن نهادند و نه به قانون اساسی و قانون مجلس اعتنا نمودند، و نه امر ملوکانه را اطاعت کردند، و نه به نصیحت علمای اسلام توجه نمودند؛ و نه به خواست ملت مسلمان - که طومارها و تلگرافات و مکاتیب بسیار آنها از اقطار کشور نزد اینجانب و علمای اعلام قم و تهران موجود است - وقعی گذاشتند، و نه به اجتماعات انبوه قم و تهران و سایر شهرستانها و ارشاد مفید خطبای اسلام احترامی قائل شدند.

آقای علم از نشر افکار عمومی در مطبوعات و انعکاس تلگرافات مسلمین و اظهار تظلم آنها به اعلیحضرت و علمای ملت جلوگیری کرده و می‌کند؛ و برخلاف قانون اساسی مطبوعات کشور را مختق کرده؛ و به وسیله مأمورین در اطراف مملکت، ملت مسلمان را که می‌خواهند عرض حال خود را به اعلیحضرت و علمای ملت برسانند ارباب و تهدید می‌کند. آقای علم تخلف خود را از قانون اسلام و قانون اساسی اعلام و برملا نموده. آقای اسدالله علم گمان کرده با تبدیل کردن قسم به قرآن مجید به «کتاب آسمانی» ممکن است قرآن کریم را از رسمیت انداخت؛ و اوستا و انجیل و بعض کتب ضاله را قرین آن یا به جای آن قرار داد. این شخص تخلف از قانون اساسی را به بهانه الزامات بین‌المللی شعار خود دانسته؛ با آنکه الزامات بین‌المللی مربوط به مذهب و قانون اساسی نیست. تثبیت به الزامات بین‌المللی برای سرکوبی قرآن کریم و اسلام و قانون اساسی و ملت، جرم بزرگ و «ذَنْبٌ لَا يُعْفَرُ» است.

اینجانب، به حکم خیرخواهی برای ملت اسلام، اعلیحضرت را متوجه می‌کنم به اینکه اطمینان نفرماید به عناصری که با چاپلوسی و اظهار چاکری و خانه‌زادی می‌خواهند تمام کارهای خلاف دین و قانون را کرده و به اعلیحضرت نسبت دهند و قانون اساسی را که ضامن اساسی ملیت و سلطنت است، با تصویبنامه‌های خائنانه و غلط از اعتبار بیندازند تا نقشه‌های شوم دشمنان اسلام و ملت را عملی کنند. انتظار ملت مسلمان آن است که با امر اکید، آقای علم را ملزم فرمایید از قانون اسلام و قانون اساسی تبعیت کند، و از جسارتی که به ساحت مقدس قرآن کریم نموده، استغفار نماید و الّا ناگزیرم در نامه سرگشاده به اعلیحضرت مطالب دیگری را تذکر دهم. از خداوند تعالی استقلال ممالک اسلامی و حفظ آنها را از آشوب و انقلاب مسئلت می‌نمایم.

روح‌الله الموسوی الخمینی

منبع: امام خمینی (ره). صحیفه امام: مجموعه آثار. جلد اول. چاپ اول.
تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی؛ ۱۳۷۸: ۸۹-۸۸.

حضرت امام خمینی در همان روز و در مقطع مبارزه با لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی تلگرافی را برای اسداله علم، نخست وزیر وقت، مخابره می‌کند و از او می‌خواهد در جهت لغو این تصویب‌نامه اقدام نماید. لحن امام در این تلگراف نیز کاملاً مسالمت جویانه و در جهت اصلاح امور است. ایشان در پایان تلگراف خود اسداله علم را مخاطب قرار داده می‌گوید:

«اینجانب مجدداً به شما نصیحت می‌کنم که به اطاعت خداوند متعال و قانون اساسی گردن نهید و از عواقب وخیمه تخلف از قرآن و احکام علمای ملت و زعمای مسلمین و تخلف از قانون بترسید و بدون موجب، مملکت را به خطر نیندازید والا علمای اسلام درباره شما از اظهار

عقیده خودداری نخواهند کرد.» (همان - ص ۹۰) نکته جالب توجه این است که حضرت امام در اینجا اسداله علم را نصیحت می‌کند و سپس نهایت تهدید را اظهار نظر علمای اسلام قرار می‌دهد. در اینجا نیز می‌بینیم که هنوز سخن از سقوط رژیم سلطنتی و حتی دولت علم به میان نمی‌آید و به اجرای قانون اساسی نیز تاکید می‌گردد.

بنابراین، در مراحل اول نهضت، امام خمینی برخورد کاملاً اصلاح طلبانه داشت و سعی می‌نمود امور در چارچوب نظم موجود پیش رود اما در مراحل بعدی که شخص شاه وارد صحنه شد و تمام امور را در جهت مقابله با اسلام، آزادی و حقوق مردم به پیش برد

و نشان داد که دیگر رژیم ظرفیت اصلاح پذیری ندارد، امام نیز تغییر مشی داد و واژگونی رژیم سلطنتی را در دستور کار خود قرار داد.

تشخیص تغییر شرایط که باعث تغییر خط مشی در مقابله با رژیم می شود از نکات بسیار حساس و مهم است، زیرا اگر این تشخیص دقیق، علمی و مطابق با واقعیت نباشد خط مشی اتخاذ شده جدید را با شکست مواجه می کند و زیان و آسیب های فراوانی را به همراه دارد.

نکته دیگر این است که در صورت تشخیص صحیح شرایط و اتخاذ خط مشی صحیح در شرایط جدید، آماده نمودن مردم جهت یک حرکت ریشه ای و اساسی بسیار مهم است، زیرا همان گونه که گفته شد در انقلاب مردم نقش اصلی را ایفا می نمایند و در صورت عدم حضور آنها انقلابی به وقوع نمی پیوندد.

بررسی واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و شکست مقطعی این نهضت اهمیت موضوع مذکور را نمایان می سازد، زیرا در آن تاریخ رهبری نهضت و ایدئولوژی اسلامی وجود داشت ولی به دلیل عدم آگاهی مردم و عدم فرصت کافی برای رهبری جهت توجیه تغییر شرایط و ضرورت پیوستن به انقلاب، این واقعه با شکست مواجه شد و حدود ۱۵ سال طول کشید تا رهبری توانست به طور کامل مردم را توجیه نماید و انقلاب را به پیروزی رساند.

ویژگی های رژیم گذشته که امام خمینی را قادر ساخت با تأکید بر آنها مردم را در طول زمان جهت یک حرکت انقلابی آماده کند، عبارت بودند از: استبداد سیاسی، عدم استقلال و وابستگی به خارج، تبعیض اقتصادی و اجتماعی، خانواده سالاری، مخالفت واقعی با اسلام و در

عین حال تظاهر به دینداری، فساد اجتماعی و اقتصادی در حاکمیت و جامعه، اقتدار شخصی و حاکمیت بلامنازع شاه بر تمام امور، مجلس فرمایشی و تشکیلات وسیع امنیتی به نام ساواک. این ویژگی ها که نتیجه ای جز خفقان، تبعیض و ناامیدی در جامعه نداشت، زمینه وقوع یک انقلاب عظیم را فراهم نمود و امام خمینی را یاری داد تا با افشاگری های دایمی خود پرچم انقلاب را در دست گیرد و در نهایت، رژیم استبدادی سلطنتی را واژگون نماید.

در شرایط فعلی و پس از پشت سر گذاشتن مراحل چون جنگ تحمیلی و توطئه های سرنگونی نظام جمهوری اسلامی، در مرحله تثبیت نظام قرار داریم. در این مرحله که مناسب ترین زمان برای اصلاحات است باید تلاشی آگاهانه در جهت تحقق و تثبیت آرمانهای انقلاب صورت پذیرد تا اهداف انقلاب اسلامی در جامعه نهادینه شود. در این مرحله آزادی، استقلال، عدالت و معنویت باید از طریق نسخه های عملی همچون جامعه مدنی، مردم سالاری دینی و قانون گرایی به طور کامل پیاده شود تا تحول اساسی منطبق با هنجارهای انقلابی در جامعه پدیدار آید.

سنت های الهی و قوانین جامعه شناسی حاکم بر تحولات اجتماعی هستند و در شرایط مشابه، مشابه عمل می کنند. امید است با عملکرد خوب و اصلاحی مسؤولان، اصلاحات دایمی در درون نظام تحقق یابد و از این طریق نظام به اهداف اصلی انقلاب اسلامی و آرمانهای آن نزدیکتر شود و زمینه وقوع انقلابی دیگر از میان برود.

دکتر سید محمد صدر